

گیرد و نگاه میدارد بعد می آورند در دست خانه باطل میکنند . حال عبادان و مشهد سلیمان هم از روز جمعه ۲۶ شعبان و سیزدهم آوریل مثل دکانیست که تمبر ایران در اینجا روی پاکت الصاق میشود و در اهواز آنرا باطل میکنند وقتی که تمام پستهای جنوب را تحویل گرفتیم البته ترتیبات دفاتر و اساس اجرای آن را فراهم میکنیم و در عبادان و مشهد سلیمان هم آن دفاتر را تأسیس می نمایم .

رئیس - جلسه ختم میشود
معاون وزارت پست و تلگراف - بنده پیشنهادی هم تقدیم میکنم و آن راجع بکنترات مسیو پیر و مسیو شویت است . مسیو پیر کفیل وزارت پست است .

رئیس - جلسه آتیه روز يك شنبه دو ساعت و نیم از شب گذشته موضوع مذاکرات اولایچه شورای دولتی ، دیگری راپرت کمیسیون بودجه راجع به زمین الدوله بعد لایحه راجع به سیم کشی سورمق با رفرق آقای مستشار السلطنه

مستشار السلطنه - لایحه روشنائی در جلسه امروز هم جزو دستور بود **رئیس -** هنوز راپرت نداده اند هر وقت داده شد جزء دستور میشود آقای آقامیرزا شهاب الدین .

آقا میرزا شهاب الدین - بنده راجع بدستور عرضی ندارم بعد ازدستور عرض خواهم کرد . **رئیس -** آقای شیخ العراقرین زاده .

شیخ العراقرین زاده - بنده میخواستم تقاضا کنم امتیاز راه بندر جز و دامغان چون از کمیسیون فوائد عامه گذشته و راپرتش به مقام ریاست عرض شده جزء دستور شود **رئیس -** عده برای رأی و مذاکره کافی نیست .

(مجلس شش ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك
جلسه ۲۶۱
صورت مشروح مجلس لایله یکشنبه ۲ ثور ۱۳۰۲ مطابق ۱۳ رمضان ۱۳۴۱
 (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته بریاست آقای مؤتمن - الملك تشکیل گردید)

صورت جلسه لایله پنجشنبه بیست و نهم حمل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند . **رئیس -** در صورت جلسه ایرادی نیست (گفته شد خیر) **رئیس -** آقای بیان الملك گویا غائب با اجازه میباشند رقه هم بکمیسیون مرخصی نوشته بوده و اجازه خواسته بوده اند آقای رئیس کمیسیون هم مطلعند

آقسید یوقوب - بلی صحیح است
رئیس - آقای سلیمان میرزا که چندی قبل مریض بودند تقاضای ۲۰ روز مرخصی نمودند کمیسیون هم تصویب کرده است باید رأی بگیریم .
آقایانیکه مرخصی ۲۰ روزه ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .
(آقایان نمایندگان قریب اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قانون شورای دولتی از ماده ۳۳ مطرح است . در جلسه ۱۷ حمل در ماده ۳۳ مذاکراتی بعمل آمد ولی هنوز بکفایت مذاکرات رأی داده نشده است . آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده در دستور عرض داشتم . در قانون شورای دولتی در آن درجه اهمیتی که سایر لوایح حاضر دستور هست نیست .

بودجه های مملکتی خیلی اهمیتش بیش از قانون شورای دولتی است . لایحه اینیه اهمیتش خیلی بیش از آن است لایحه ممیزی از همه مهم تر است اینکه ما قوانین رامینویسم و رویهم بگذاریم و اجراء نشود چه فایده دارد . قانون انجمن های ایالتی و ولایتی سالها است اجرا نمیشود و فرضاً قانون شورای دولتی را هم تصویب کردیم و مثل سایر قوانین ماند و اجراء نشد فایده اش چیست؟ بنده عقیده ام این است لوایح واجب تر را در این آخر دوره در دستور بگذاریم که ترتیب اثری بآنها داده شود .

رئیس - لوایح واجب تر کدام است اسمش را ببرید و پیشنهاد کنید تا رأی گرفته شود .

حائری زاده - لایحه سیم کشی که جزء دستور امشب است بعد هم لایحه قانون ممیزی جزء دستور شود که فوق العاده مهم است .

رئیس - لایحه قانون ممیزی باید از طرف کمیسیون مالیه دفاع شود مخبر کمیسیون کجا است؟

سهام السلطان - مخبر سابق میتواند دفاع کند . **رئیس -** مخبر سابق از طرف کمی دفاع خواهد کرد . از دو کار يك را باید کرد یا باید رأی بدهید که کمیسیون مالیه انتخاب شود یا باید رأی بدهید که کمیسیون سابق میتواند دخالت کند .

حائری زاده - لایحه سیم کشی حاضر است نماینده وزارت پست حاضر هم است جزء دستور مطرح شود . **يك نفر از نمایندگان -** مخبر ندارد . **رئیس (خطاب با آقای حائری زاده)** پس يك پیشنهاد دیگری بفرمایید تا رأی گرفته شود .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) **حاج شیخ اسدالله -** بنده تصور می کنم همان ترتیب دستوری که در جلسه قبل معین شده بموقع عمل گذارده شود و اگر آقایان در دستور نظری دارند همان آخر جلسه را برای تعیین دستور وقت معین کنند که هم روزه اول و آخر جلسه صرف تعیین دستور شود .

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه) **نصرت الدوله -** بنده هم دو هفته زمینیه می خواستم عرض کنم که اغلب لوایح بواسطه نداشتن مخبر و کمیسیون قابل مذاکره نیست و قانون شورای دولتی که یکی از قوانین مهم است راپرتش حاضر است و هم مخبرش و تا کمیسیون ها انتخاب میشوند اگر یکی دو جلسه وقت صرف قانون شورای دولتی شود تمام خواهد شد (صحیح است)

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه) **سهام السلطان -** بنده عرض همین بود که قانون شورای دولتی در دستور مقدم باشد .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) **حائری زاده -** کمیسیون ها بنا بود در ۱۴ حمل انتخاب شوند و هنوز نشده اند من عقیده دارم آقای رئیس این جلسه را اختصاص بدهند بانتخاب کمیسیون ها

رئیس - عقیده دارم پیشنهاد کنید تا رأی گرفته شود . **رئیس -** آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه) **حاج میرزا عبدالوهاب -** بنده هم همین عرض را داشتم که خوب است مقرر فرمایند امروز کمیسیون ها انتخاب شوند قانون شورای دولتی چندان اهمیتی ندارد .

نصرت الدوله - بنظر سرکار این - طور است . **حاج میرزا عبدالوهاب -** خیر به نظر اغلب آقایان همینطور است

قدین - بنده تعجب میکنم که آقایان میفرمایند قانون شورای دولتی چندان اهمیت ندارد و بعد هم دلیل دارند چون بعضی قوانین وضع شده و بموقع اجراء گذارده نشده است . مجلس نظارت دارد و باید به وظیفه خودش عمل کند . هر قانونی را که دولت اجری نمیکند باید او را استیضاح نمود بصرف اینکه دولت قانون را اجری نمیکند که اداء وظیفه نمیشود . بلاوجه قسمت مهم قانون شورای دولتی تمام شده است و همانطور هم که جزء دستور است خوب است جزء دستور باشد آقای حائری زاده پیش - نهاد میکنند که این جلسه را اختصاص بدهیم برای انتخاب کمیسیون ها و این ترتیب صحیح

نیست . اگر آقایان تصمیم بگیرند ممکن است در موقع تنفس هم کمیسیونها انتخاب کنند .
 (پیشنهاد آقای حائری زاده شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم - انتخاب کمیسیون های معموله مقدم بردستور باشد . (حائری زاده)

حائری زاده - ۱۶ روز است از موقع انتخاب کمیسیون ها گذشته و دو ماه هم بیشتر بعمر مجلس باقی نمانده و بسامحه ممکن است در ظرف این دو ماه هم کمیسیون ها انتخاب نشوند و اگر مقدم بردستور باشد امیدوارم که امروز کمیسیون ها انتخاب و لوایح هم جزء دستور گذارده شود و منافاتی با فرمایشات آقای تدین ندارد .

رئیس - رأی میکنیم به پیش نهاد آقای حائری زاده . آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند . (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پس لایحه قانون شورای دولتی از ماده ۳۳ مطرح است . (ماده ۳۳ شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳۳ - در صورتیکه وزراء و یا ادارات زیدخل بشکایات متظلمین در تصمیعات اداری که موجب تضییع حق آن ها شده باشد رسیدگی بکنند و یاد طرف ۴ ماه از تاریخ تظلم تصمیم اداری در این باب اتخاذ نکرده و بمعسکه مربوطه هم ارجاع نمایند مشارالیهم می توانند مستقیماً بشورای دولتی تظلم کنند و همچنین اگر پس از رسیدگی در خود محاکم اداری و یا خود ادارات مربوطه حکمی صادر و یا تصمیعی اتخاذ شود که متظلمین را قانع نسازد مشارالیهم می توانند برطبق قوانین و نظامات مقرر استینافاً و یا تمیزاً بشورای دولتی تظلم نمایند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) **حاج شیخ اسدالله -** در این ماده یکی دو موضوع لازم است آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود چیست؟ قسمت اولش می نویسد: در صورتیکه وزراء و یا ادارات زیدخل بشکایات متظلمین در تصمیعات اداری که موجب تضییع حق آنها شده باشد رسیدگی بکنند مقصود از این عبارت چیست؟

آیا مقصود این است که يك تقاضنامه رسمی بدهند پذیرفته نشود یا در ظرف ۴ ماه بیان رسیدگی بکنند ؟

گرچه این ۴ ماه هم برای رسیدگی نکردن زیاد است ولی باید اینجا توضیح بدهند که بعد از ۴ ماه رسیدگی نکنند یعنی چه؟ مقصود این است که باظهارات متظلم در این مدت کوش بدهند؟ اگر اینطور است از کجا متظلم میتواند ثابت کند که اظهاری

کرده و آنها گوش ندادند که بتواند بشورای دولتی تظلم کند برای اثبات این قضیه متظلم باید سند و مدرکی در دست داشته باشد که بشورای دولتی ارائه دهد که از روی آن سند بشورای دولتی دعوی او را بپذیرد و در اینجا بکلی ساکت است فقط میبوسد که اگر بشکایت متظلم رسیدگی نکرده بشورای دولتی تظلم خواهد کرد در این صورت حاکم یا آن مرجع تظلم ممکن است بگوید من رسیدگی کردم در سربک همچو موقعی که چنین اختلافی پیش آمد کسی تشخیص خواهد داد که بشکایت متظلم رسیدگی شده است یا نه این يك قسمت بکلی در این ماده ساکت است .

يك قسمت دیگر راجع به فراز آخر است که میگوید مشارالیه میبواند بر طبق قوانین یا نظامات مقرر استینافاً یا تمیزاً بشورای دولتی تظلم نمایند آیا رسیدگی تمیزی و رسیدگی استینافی مختلف است و البته آقای مغربو اعضاء کمیسیون بهتر از من مسبقاً در صورتیکه شورای دولتی بطریق تمیزی بخواهد رسیدگی کنند در این صورت خودش مستقیماً نمیتواند اظهار عقیده کند اگر رسیدگی تمیزی همین رسیدگی تمیزی است که در عدلیه مرسوم است و مطابق قانون اصول محاکمات و قوانین تمام دنیا معمول است محکمه صالحه میتواند حکم صادره از محکمه مربوطه را نقض کند دیگر اظهار عقیده نمیتواند بکند و پس از نقض حکم محکمه پائین تر باید محل دیگری برای رسیدگی در اصل هیئت دعوا معین شده باشد و در اینجا بکلی ساکت است و معلی برای اینکار تعیین نشده است اگر بنا باشد محکمه خودش حکم بدهد و اظهار عقیده کند دیگر نمیتوان اسم آنرا اصطلاحاً رسیدگی تمیزی گذارد و این ترتیب يك قسم رسیدگی استینافی خواهد بود اینجا نمیتوانم نظر کمیسیون در این قسمت چه بوده اگر این بوده است که باید رسیدگی و اظهار عقیده کند و حکم بدهد نمیتوان آنرا رسیدگی تمیزی شمرد و اگر مقصود این بوده است که فقط حکم محکمه مربوطه را نقض کند باید يك طرز دیگری نوشته شود که بکدام محل برگردد اگر قصد کمیسیون این بوده است که برگردد به محکمه که ابتدا رسیدگی کرده این ترتیب بنظر بنده خالی از منطوق است و باید مرجع دیگری معین شود در هر صورت بنظر بنده این ماده ناقص است خوب است آقای مغربو توضیح بدهند تا مطلب روشن شود

معاون عدلیه - اگر در ماده ۳۳ قدری بیشتر دقت فرمایند معلوم میشود که این ایرادات وارد نیست . اگر شخصی شکایتی کرد از دو حال خارج نیست یا اینکه شکایت را بر جمعی که باید رسیدگی کند رجوع میکنند یا بر جمعی که شکایت نداد و بجای رجوع نمیکنند در صورتی هم که بر جمعی رجوع

کنند از دو حال خارج نیست یا در ظرف چهار ماه تمام میشود یا بشود اگر چهار ماه تمام شد که قانون اجراء بشود دیگر بشورای دولتی نخواهد رفت و اگر در ظرف چهار ماه موضوع خاتمه نیافت آن شخص متظلم میتواند مستقیماً بشورای دولتی شکایت کنند این يك قسمت اما در قسمتی که اشکال فرمودند که ترتیب رسیدگی تمیزی و استینافی بچه شکل خواهد بود ؟ اگر دقت فرمایند اینجا نوشته شده است مطابق قانون یا نظامات میتواند رسیدگی کند . پس اگر قانون معین کرده باشد که شورای دولتی استینافاً رسیدگی کند استینافاً رسیدگی خواهد کرد اگر تعیین کرده باشد تمیزاً رسیدگی کند چنانچه ملاحظه فرمایند در ماده ۳۷ میبوسد : در مواد ذیل شورای دولتی احکام محاکم اداری و یا تصمیمات ادارا را نقض خواهند نمود و مسلماً اگر شکایت متظلم مربوط بماده ۳۷ باشد یعنی تصمیمی که اتخاذ شده است برخلاف میل متظلم باشد و یکی از علل ماده ۳۷ موجود باشد مثلاً یا سوء استفاده از تصریحات قانونی شده باشد یا حکم خارج از حدود صلاحیت صادر شده باشد یا نقض قوانین شده باشد در آن صورت شورای دولتی باید رسیدگی کند و آن حکم را که برخلاف داده شده است باید نقض کند ولی اگر تظلم متظلم در ماهیت دعوی باشد بطور استیناف رسیدگی خواهد کرد و اما اینکه میگویند اگر حکم محکمه نقض شد تا نوبت مرجع رسیدگی کسی خواهد بود یکماده دیگری در قانون هست که طرز جریان محاکمات را موقوف بنظامنامه کرده است و این مسائل در نظامنامه پیش بینی می شود و کمیسیون صلاح ندانست قانون داخل در این جزئیات بشود و طرز جریان محاکمات یا اصول محاکمات را موقوف بنظامنامه کرده اند .

رئیس - آقای میرزا سید حسن (اجازه)

میرزا سید حسن - بمقیده بنده اگر لفظ (ادارات ذیدخل) تبدیل بمبارت (ادارات مربوطه بشود) بهتر است و مدت چهار ماه هم اگر برای ایالات و ولایات باشد عیب ندارد ولی برای مرکز چهار ماه زیاد است .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - نسبت بمقسمت اخیر که آقای معاون توضیح دادند پس از آنکه شورای دولتی رأی محکمه مربوطه را نقض کرد بعد از آن تکلیف ثانوی این حکم در نظامنامه معین میشود بنده تصور میکنم تکلیف مرجع ثانوی مربوط بنظامنامه نباشد زیرا این يك قسمت از اصول محکمه و محاکمه است که باید در خود قانون پیش بینی شود نظامنامه ترتیب بجزایران يك قضایائی که مربوط بطرز نظامات است تعیین میکنند اما تعیین محکمه تکلیف محکمه را نظامنامه نمیتواند معین کند بنده عرض نکردم که این قانون و این رسیدگی باید

با اصول محاکمات حقوقی مطابقت کند و مثل دیوان عالی تمیز در نظر بگیریم که تمام مواد رسیدگی در دیوان تمیز در این قانون ذکر شود

اما بعد از آنکه خود معاون وزارت عدلیه تصدیق کردند و مطابق مواد که خودشان پیشنهاد کردند که اگر شورای دولتی يك جریان خلاف قانونی مشاهده کرد میتواند حکم را نقض کند نقض کردن حکم هم بر همه هم زدن حکم است اما بعد از اینکه نقض کرد خود این قانون باید تکلیف ثانوی آن را هم معین کند که در کجا باید رسیدگی شود آیا خود شورای دولتی رسیدگی میکنند؟

بنده هم اصراری ندارم که حتی يك محکمه دیگری هم باشد که در صورت نقض مراجع بان محکمه شود اگر يك چنین اختیاری را میخواهند بشورای دولتی بدهند بعد از آنکه رسیدگی تمیزی کرد و حکم را نقض کرد میتواند داخل در ماهیت دعوا بشود و حکم بدهد .

این را باید در قانون داخلی نوشت یا اگر خودش در ثانی وارد در ماهیت دعوی و رسیدگی نمیشود باید يك محکمه دیگری را معین کند و در قانون تصریح کند که محکمه صالح از برای رسیدگی کجا است این است که عرض میکنم هر چه منظور نظر است باید در قانون تصریح شود نه در نظامنامه و نظامنامه مربوط به اصل محکمه نیست

معاون وزارت عدلیه - عریض بنده را آقای حاج شیخ اسدالله درست منتقد نشده اند بنده عرض کردم شورای دولتی يك محکمه اداریست نه يك محکمه قضائی و غالب تصمیماتی که در شورای دولتی میشود از محاکمات اداریست مثلاً اگر فلان شخص آمد تظلم کرد که فلان آقا را بدون لیاقت يك دفته بفلان اداره وارد کرده اند شورای دولتی بواسطه سوء استعمال آن حکم را نقض میکنند يك حکم دیگری خودش میدهد و عیبی هم ندارد اما در يك قسمت هائی ممکن است این ایراد وارد باشد آنهم چنانکه عرض کردم در یکی از مواد این قانون یعنی ماده چهل و هفت پیش بینی شده است و کمیسیون هم همین رأی را داده است که اگر تکلیف جزئیات بر طبق نظامنامه که نوشته میشود معین شود بهتر خواهد بود بعلت اینکه شاید در بدو امر شورای دولتی درست نتواند تشخیص بدهد که در چه مواقعی چه ترتیبات را باید ایجاد کند .

ولی البته پس از يك مدتی عمل خیلی بهتر خواهد شد اما بنده میترسم که اگر ما بخواهیم این قسمت ها را در قانون تصریح کنیم در آتیه کار مشکل شود ولی اگر در نظامنامه نوشته شود و ترتیب آن در ضمن

عمل شود آن وقت ممکن است آن نظامنامه ها را مبدل بیاون کنیم

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده موافقم بعد از يك مخالف عرض میکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده با اینکه بشورای دولتی مخالفم در این موضوع هم با آقای معاون هم با آقای شیخ الاسلام مخالفم و با این عبارت موافقم لیکن این عبارت را معنی میکنم ولی این همه طول و تفصیل برای آقای معاون لازم نیست .

آقای حاج شیخ اسدالله اصول محاکمات را معین کردند که نقض میکند حکم تمیز یا فلان حکم را اگر نقض کرد بر میگردد به محکمه سابقه او این ماده هم همین را بیان میکنند

یاد آنجا يك ترتیبی واقع باشد و يك حکمی صادر شده باشد این را بمنزله محکمه قرار میدهند منظم قانع نشد از این مسئله یکدفعه این است که عدم قناعت متظلم از ماهیت دعوی است میبوسد بشورای دولتی تظلم میکند شورای دولتی نظر میکنند به ماهیت دعوی که از طریق استیناف وارد در ماهیت میشود و بیک مرتبه این است که از حیث نقض و ابرام است از این چیست چون قانع میشده شکایت میکنند بشورای دولتی .

پس شورای دولتی استینافاً تمیزاً رسیدگی میکنند نظر میکنم سابقه خودش آن معلی که در آن جا نظم واقع شده است بمنزله محکمه اداریست بعد که طی مراتب خودش را رد محکمه ابتدائی میبوسد به محکمه استیناف بعد که اینطور شد خودش محکمه ابتدائی است این جا استیناف میدهد یا تمیز میدهد و اشکال در شورای دولتی آن چیز دیگری است و الا این عبارت صحیح است

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - کافی است ؟ گفته شد کافی است .

رئیس - پیشنهادی است قرائت میشود بعد میرویم سر ماده سی و چهار (پیشنهاد آقای آقا میرزا سید حسن) (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۳۳ ادارات ذیدخل تبدیل با ادارات مربوطه بشود و مدت ۴ ماه برای متظلمین در مرکز ایالات و ولایات باشد .

حسن الموسوی کاشانی (ماده سی و چهارم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سی و چهارم - دعاوی حقوقی که بر علیه مستخدمین زمین کشوری دولت اقامه میشود در صورتی که دعاوی مزبور راجع باعمال اداری آنها و یا راجع باعمالی باشد که مشارالیه در حین اجرای وظیفه اداری اقامه بآن مینمایند باید در محکمه که به طریق ذیل تشکیل می شود رسیدگی شود

محکمه مزبور مرکب است از حاکم محل و یا معاون او و دو نفر دیگر از اعضاء ادارات دولتی محل مشروط بر اینکه رتبه اعضاء مزبوره پائین تر از رتبه مستخدم متشکی عنه نبوده و هیچیک از آنها در اداره مستخدم نشد ریاست محکمه بمعهده حاکم و یا معاون او خواهد بود .

اگر طرف شکایت شخص حاکم محل و یا یکی از اعضاء اداره حکومتی باشد ریاست محکمه بمعهده رئیس است و تلگراف خواهد بود .

اگر طرف شکایت شخص حاکم محل و یا یکی از اعضاء اداره حکومتی باشد ریاست محکمه بمعهده رئیس است و تلگراف خواهد بود .

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده کاملاً عقیده دارم باینکه در مملکت ما يك معاکم اختصاصی باشد که بدعاوی متظلمین که نظم آنها نسبت بمأمورین دولت است رسیدگی کند و مخالفت بنده به بعضی جهات دیگر است که عرض می کنم شاید آقای مغربو یا معاون توضیحاتی بدهند که متقاعد بشوم .

اولاً مناسبت این ماده را با این قانون نمیفهمم که این ماده در این قانون برای چه آمده است در ماده سی و سوم تصریح میشود که شورای عالی مثلش مثل محکمه استیناف یا تمیز است در اینجا در شورای دولتی اجازه داده میشود که محکمه ابتدائی تشکیل شود نه اینکه بخواهیم عرض کنم که اجازه تشکیل این محکمه مخالف است با اصل هفتاد يكم قانون اساسی است که دیوان عدالت عظمی و محکمه عدلیه مرجع تظلمات عمومی هستند این محکمه خصوصی است و تظلم خصوصی میشود مخالفت بنده از این نظر نیست اولاً از همان نظر است که عرض کردم مناسبت اجازه تشکیل این محکمه را با این قانون و در این قانون نمیفهمم تا نوبت به عقیده بنده تشکیل يك چنین محکمه بجای متظلمین از مأمورین دولتی هیچ فایده ندارد يك محکمه تشکیل میشود از رفقای مدعی علیه که البته ملاحظه خیلی دیر از میان میروند يك بیچاره تظلم میکند درست تومان فلان مأمور دولت از من گرفته است آنوقت ما اجازه بدهیم يك محکمه تشکیل شود از رفقای آن شخص که از او شکایت شده که بنشینند و محاکمه کنند آنوقت حکم این محکمه تا پانصد

تومان قطعی باشد این است که در راسته و اقوال افتاده است که يك مأمور شش ماه میروند هفتاد هزار تومان میآورد اولاً هفت هزار تومان آن دروغست يك مأمور شش ماه یا يك سال رفته است ده هزار تومان آورده است این را هم از یکنفر یاده نفر نگرفته است ده هزار خانه خراب شده است تا آنکه يك مأمور ده هزار تومان گرفته و بقیه بنده بسیار کم اتفاق می افتد که متظلمین شکایت کنند از يك مأمور دولت که از يك نفر یا پانصد تومان بیشتر گرفته باشد که يك راه خلاصی برای مدعی باشد که برد استیناف و تمیز بدهد این است که بنده باین ملاحظات نمی توانم باین ماده رأی بدهیم مگر اینکه آقای مغربو يك توضیحاتی بدهند که متقاعد شوم .

معاون وزارت عدلیه - این اشکال آقای شیخ الاسلام گمان میکنم زیاد وارد نباشد برای اینکه مثل هائی که ایشان زدند هیچکدام تولید دعوی حقوقی نمی کنند فرضاً اگر مأموری صلیبی گرفته باشد و از او شکایت داشته باشند که پانصد تومان هزار تومان گرفته یا اختلاس و حیف و میل وجود دولت را کرده باشد بالاخره اینها مسئله جزئی است و ربطی به محکمه اداری ندارد این محکمه برای دعاوی حقوقی است که ناشی میشود از اعمال اداری

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در این ماده میبوسد که محکمه مزبور مرکب است از حاکم معلوم یا معاون او و دو نفر از اعضاء ادارات در اینجا معلوم است که تشکیل این محکمه بمیل حاکم میشود نه بمیل اهل محل و بمعاونه معلوم نیست اعضائی که نوشته شده در این اداره است یا اعضا اداره و بقیه بنده اگر رئیس اداره نوشته شود بهتر است زیرا محکمه که بر ریاست اعضاء اداره است تشکیل شود نمیتواند حاکم را محکوم کند و در آخر این ماده هم می نویسند که از طرف شکایت حاکم یا معاون او و یکی از اعضاء اداره حکومتی باشد ریاست محکمه بمعهده رئیس است و تلگراف خواهد بود و بقیه بنده رئیس است و تلگراف کافی نیست و اگر رئیس مالیه پاریس عدلیه باشد بهتر است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم مغربو - قسمت اول بیانات آقا این بود که مقصود از اعضاء ادارات رئیس است و با معاون بنده تصور میکنم اگر بعبارت بعد مراجعه بفرمایند این اشکال مرتفع میشود زیرا نوشته شده است مشروط بر اینکه بآن قیدی که در ماده ۳۵ شده هیچ مانعی

متشکی عنه نبوده بلکه بالاتر باشد اما اینکه در اینجا قید شده است در صورتی که طرف شکایت شخص حاکم و یا معاون او و یکی از اعضاء اداره حکومتی باشد ریاست محکمه بمعهده رئیس است و تلگراف خواهد بود و بقیه بنده اینکه ریاست محکمه را بمعهده رئیس است و تلگراف باقی گذارده اند برای این است که روسای است و تلگراف غالباً بیطرف بوده اند در اغلب نقاط ایران وقتی که حاکم بمرکز احضار میشود گفتات حکومت بطور موقت باروسای است و تلگراف معلی خواهد بود بمعاونه آنها در اغلب نقاط هستند در صورتیکه ممکن است رئیس عدلیه درهه جا نباشد این موجبات سبب شد که در این ماده بنویسیم ریاست محکمه بمعهده رئیس است و تلگراف باشد .

با اینحال اگر این ملاحظات تامین شود بودن روسای یکی از ادارات دولتی هیچ مانعی نخواهد داشت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم در این قبیل رسیدگی دهر محل مدعی العوم باشد اگر او در این قضایا دخالت دهم بهتر است برای اینکه مدعی العوم نماینده دولت است و در هر کجا که هست نظارت تمامه در امور دارد .

قسمت عمده شکایاتی که میشود راجع بخلاف قانونهائی است که در يك معلی واقع میشود و خوب است که مدعی العوم در این قبیل قضایا دخالت داشته باشد و نمیتوانم کمیسیون چه نظر داشته که این مسئله را متذکر نشده است .

خوب است آقای مغربو و اعضاء محترم کمیسیون قبول کنند که در شور ثانی این قسمت اصلاح شده و مدعی العوم را هم نظارت بدهند دیگر اینکه در صورتیکه در يك معلی از حاکم شکایت داشته باشد و عدلیه هم در آنجا باشد البته ریاست آن محکمه اگر با رئیس عدلیه باشد بهتر است زیرا که بهتر میتواند رسیدگی کنند دیگر اینکه در این ماده نوشته شده است و دو نفر دیگر از اعضاء ادارات دولتی معلی بنده میخواستم ببینم انتخاب این دو نفر بمیل حاکم است که هر کس را میخواهد تعیین کند یا اینکه کمیسیون در اینجا يك نظری دارد و بقیه بنده نیاستی اختیار انتخاب اعضاء محکمه را بعاکم و اگذار نمود برای اینکه ممکن است حاکم يك اشخاصی را انتخاب کند که بر ضرر متظلم تمام شود .

خوب است این قسمت را هم اعضاء محترم کمیسیون در نظر بگیرند و در شور ثانی اصلاح کنند و اختیار انتخاب اعضاء را بدست حاکم علی الاطلاق باقی نگذارند

مغربو - مخالفتی نیست در اینکه مدعی العوم هم در آن محکمه ناظر باشد و نظر بآن قیدی که در ماده ۳۵ شده هیچ مانعی نخواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اولاً لازم است جواب آقای شیخ الاسلام را عرض کنم آنوقت عریض خود را بگویم .

ندارد که رئیس عدلیه هم در آن محکمه حاضر باشد نظر کمیسیون این بود که ممکنست عدلیه درهه جان باشد باین جهت ریاست محکمه را بمعهده رئیس است و تلگراف و اگذار کرده اند معقلاً با ددانت میکنم تاد در شور ثانی اصلاح شود .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

(جمعی گفتند کافی است)

(سه فقره پیشنهاد از طرف آقایان زنجانی و مستشار السلطنه و شیخ الاسلام اصفهائی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۳۴ بترتیب ذیل نوشته شود : دعاوی حقوقی که بر علیه مستخدمین دولت از بابت اعمال اداری یا اقدامات آنها در عین اجرای وظیفه اقامه میشود بدایت در محکمه که بترتیب ذیل تشکیل میشود رسیدگی خواهد شد محکمه اداری مزبور در مرکز مرکب است از ۳ نفر از روسای اعضاء ادارات وزارتخانه ها متبوعه مستخدم متشکی عنه و در صورت حاجت از ادارات وزارتخانه های دیگر تکمیل میشود و در خارج مرکز مرکب است از حاکم محل یا معاون او یا دو نفر از اعضاء ادارات دیگر در تحت ریاست حاکم یا معاون او مگر اینکه متشکی عنه حاکم یا یکی از اعضاء اداره حکومتی باشد که در اینصورت در تحت ریاست رئیس عدلیه یا دو نفر از اعضاء ادارات دیگر غیر حکومتی خواهد بود و شرط است که رتبه مستخدمی که محاکمه میشود بالاتر از رتبه هیچیک از اعضاء محکمه نبوده و عضو اداراتی که محکمه از آنها تشکیل شده نباشد

(ابراهیم زنجانی)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتة بنده پیشنهاد می نمایم ریاست محکمه باقره معین شود .

(مستشار السلطنه)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳۴ جمله های از اعضاء الی باشد حذف شود و قبل از ریاست محکمه نوشته شود : یکی از طرف مدعی یکی از طرف مدعی علیه

(شیخ الاسلام)

رئیس - ماده ۳۵ قرائت میشود .

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳۵ محکمه مزبور در ماده فوق در مقرر هر محکمه ابتدائی تشکیل خواهد شد .

احکام این محکمه تا میزان پانصد تومان قطعی و استیناف احکامیکه محکوم آن از پانصد تومان تجاوز نماید بشورای دولتی رجوع خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اولاً لازم است جواب آقای شیخ الاسلام را عرض کنم آنوقت عریض خود را بگویم .

اینکه فرمودند ماده ۳۴ چه مناسبت دارد که در این قانون نوشته شود بنده عرض میکنم ماده ۳۴ مقدمه ماده ۳۵ است که قانون میخواهد معین کند که شورای دولتی نسبت به محکمه که در مرقع محکمه ابتدائی واقع میشود حکم استیناف را دارد والا هیچ موقع نداشت که محل شکایت از مستخدمین دولت در اینجا باشد.

سوالیکه بنده از آقای مغیر دارم که در این ماده مینویسد محکمه مزبوره در ماده فوق در مقرر هر محکمه ابتدائی تشکیل خواهد شد حالا در اغلب نقاط محکمه ابتدائی نیست در آن نقاط اگر یک بیچاره از دست مأمور مالیه یا دیگری شکایت داشته باشد تکلیفش چیست و بکجا باید رجوع کند.

مخبر - آقای آقا سید یعقوب درست التفات فرمودند اینکه در این ماده نوشته شده است در مقرر محکمه ابتدائی تشکیل خواهد شد.

یعنی محل انعقاد این محکمه مقرر محکمه ابتدائی است و در نقاطیکه صلیحیه است رجوع میکنند به آن محکمه که در مقرر محکمه ابتدائی انعقاد یافته است.

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - عرض میکنم بنده در ماده ۳۴ عرض کردم هیچکدام جواب داده نشد بنده عرض کردم که مناسبت این ماده را در این قانون نفهمیدم دیگر این که تشکیل محکمه را در آقای مستخدم نفهمیدم حال مجبورم همان عرضم را تکرار کنم.

بنده هم میدانم که مطلب ارتشاء مطلب جزائی است ولی باز یک قسمت آن به محکمه حقوقی رجوع میشود.

مثلا اگر بنده مدهی شوم که فلان مامور یا نصد تومان بتواند رشوه از من گرفته است قسمتی که راجع به ارتشاء است محکمه جز رسیدگی میکند ولی باز مسئله یا نصد تومان در محله حقوقی باید رسیدگی شود.

حقوق را محکمه جز رسیدگی نخواهد کرد این است که بنده عقیده دارم حالا که این ماده غیر مناسب را در اینجا نوشته اند الاقل آن را اصلاح کنند و حد اقل را ۵۰ تومان قرار دهند که قطعی باشد تا مردم آسوده باشند برای اینکه خیلی کم اتفاق می افتد که یک نفر آدم یا نصد تومان بعنوان رشوه میباید رشوه بمامور دولت داده باشد و اگر بنا شود که این یا نصد تومان بجای خودش باشد غالب حقوق متظلمین ازین میروند برای این که ۴ نفر از اعضاء ادارات میشنند و رسیدگی کرده یا نصد حقوق اشخاص را ازین میبرند و اقلا باید یک دست آویزی برای خودش داشته باشد که بتواند احقاق حق خود را بنماید.

رئیس - آقای نصر الدوله (اجازه) نصرت الدوله - بنده اعتراضی که آقای شیخ الاسلام اصفهانی نسبت به این ماده فرمودند درست تلفات نشد فقط اعتراض به آقای معاون کردند و فرمودند قسمتهای جزائی عنوان رشوه اش به محکمه جزا میروند.

و عنوان حقوقی آن به محکمه حقوقی رجوع میشود این هم یک استفاده جدیدی برای بنده بود.

آقایان باید توجه داشته باشند که نقطه نظر کمیسیون حتی المقدور این بود که از برای مردم تسهیلات فراهم شود و نباید فراموش کرد که این محاکم اداری هستند و تظلمی که باین محاکم میشود باید یک شکایاتی باشد که بواسطه اعمال مأمورین اداری تولید شده باشد باین ملاحظه هر قدر مطلب سهل تر باشد و زودتر معلوم شود بهتر است باین جهت کمیسیون یا نصد تومان را یکجدا معتدلی تصور کرده است.

حالا اگر آقای شیخ الاسلام این مبلغ را زیاد میدانند ممکن است پیشنهاد فرمایند تا در کمیسیون مورد مذاقه واقع شود و بعضی از آقایان هم اعتراض دیگری در این ماده فرمودند و آن این بود که

چرا تعیین اعضاء را محاکم و گذار نموده اند و چرا رئیس عدلیه را در این قبیل قضایا دخالت نداده اند این مطلب عمداً اینطور شده است برای اینکه همانطور که عرض کردم قضیه قضیه رسیدگی و محاکمات اداری است و هر قدر این ۲ قسمت را از هم دیگر دورتر نگاه داریم برای اینکه این دو قوه با هم مزوج نشود و در امور هم دیگر مداخله نکنند بهتر است و تأمیناً یکسره از برای مستخدمین لازم است تهیه شده است در مرحله اول اعضاء محکمه رسیدگی میکنند و آنها یکجمله اشخاص اداری هستند و معلوم نیست که بصیرت آنها در این کارها از یک رئیس عدلیه یا قاضی کمتر باشد و چون این شکایات مبداءش یک مضاری است که در امور اداری پیدا میشود بنا بر این اطلاعات آنها بیشتر است و زودتر میتوانند قضیه را حل کنند.

در مرحله دوم که رسیدگی بطور استینافی و یا تمیزی باشد اینجا خاطر آقای شیخ الاسلام را متذکر میکنم باینکه این یا نصد تومان که قطعی است بطور استینافی قطعی است و از نقطه نظر تمیزی قطعی نیست یعنی اگر یک متظلمی در آن تظلم بدوی محکوم و توانست دعوی خودش را با ماده ۳۷ تطبیق کند و یا موانع مذکور در ماده ۳۷ در آن حکم موجود باشد ولو این که صد یا صد و پنجاه تومان باشد میتواند بطور تمیزی بشورای دولتی مراجعه کند و این خودش یک تأمینی است و اگر آقایان بنده ۲۷ ملاحظه کرده باشند خواهند دید که

این ترتیب تخصیص داده نشده است باینکه این موارد برای بالاتر از یا نصد تومان است بلکه در هر مورد یا تجاوز از قانون و از حدود صلاحیت میتواند بشورای دولتی مراجعه کند ولو اینکه در تومانی یا صد تومان باشد و بعقیده بنده این اندازه هم کافی است.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - قسمت اول این ماده راجع به تشکیل این محکمه در حوزه ابتدائی است بنده عرض میکنم در صورتیکه یک تشکیلات و یک حوزه بندی های مرتبی از برای حوزه های ابتدائی و صلحیه ها در مملکت ایران داشتیم آنوقت این ترتیب و این نظر صحیح بود اما متاسفانه هنوز آن حوزه بندی های مرتب در مملکت مانده است و یک قانونی برای آنها وضع نشده است مثلا وزارت عدلیه بر حسب مقتضیات وقت از نقطه نظر تقلیل بودجه یا بنظر های دیگر ممکن است برای ولایات متعددی یک محکمه در نظر بگیرند و یا تمیز یک وقتی هم ممکن است بواسطه این که دستش از حجت بودجه باز است می تواند حوزه های ابتدائی را زیاد کند.

در یک نقطه حوزه های ابتدائی تشکیل میدهد پس میزان معینی برای حوزه های ابتدائی هنوز در این مملکت معین نشده و این معیار ابتدائی که درین مملکت تشکیل و تأسیس میشود نسبت به متظلمین که محل حاجتشان است اسباب زحمت شده و متظلمین دچار مشکلاتی میشوند مثلا در یک قسمت اعظم مملکت هنوز حوزه های ابتدائی تأسیس نشده و فقط صلحیه تأسیس کرده اند و در بعضی نقاط هم هنوز صلحیه ندارد و مردم در دعوی خود بلا تکلیف مانده اند و اگر بخواهیم تشکیل این محکمه را منحصراً کنیم بمقرر حوزه ابتدائی تصور میکنم خیلی اسباب زحمت برای مردم باشد مثلا اگر در خراسان نایب الحکومه یا مأمورین مالیه که به آنجا میفرستند نسبت بر عا یا تجاوزاتی کنند و آن بیچاره ها هم بخواهند شکایت کنند بفرمایند بکجا عرض حال بدهند و تظلم نمایند.

مطابق این قانون باید بمقرر محکمه ابتدائی رجوع کرد. بنا بر این اگر مابه الادعای اودوست یا سیصد تومان باشد باید دوست تومان دیگر هم متضرر شود تا برود در نقطه که حوزه محکمه ابتدائی باشد تظلم کند پس این ترتیب هیچ عملی نیست و بالاخره هم معلوم نیست نتیجه رسیدگی چه خواهد شد.

بنا بر این قانون برای تسهیل امور مردم نیست باید حتی الامکان وسایل تسهیل امور مردم را فراهم سازیم نه اینکه اشکال تراشی و برای آنان ایجاد کنیم و امروز یک نفر متظلم

که در اقصی بلاد این مملکت است می تواند مستقیماً بمقر شکایت کند وزارت مربوطه یا آن محکمه که مرجع این تظلم است چون قانونی نیست که جلو او را بگیرد می تواند به آن شکایت رسیدگی کند اما اگر این قانون باینصورت بگذرد بکلی جلوی این تظلمات فلانها هم میگیرد مثلاً اگر در یکی از اقصی بلاد ایران یک نفر ظلمی شد باشد و اگر میخواهد بمقر تظلم کند یا برودن این قانون میگویند نمی شود بظلم توجیهی کرد باید محکمه مربوطه رجوع کنی و اگر آن بیچاره میخواهد محکمه مربوطه مراجعه کند باید خسارت زیادی متحمل شده سی فرسخ راه برود تا یک نقطه برسد که حوزه ابتدائی در آنجا باشد و محکمه برای رسیدگی بشکایات او تشکیل شود و بالاخره هم نتیجه آن معلوم نباشد و راه نفس کشیدن و مفری برای متظلم بیچاره باقی نماند اینست که اگر مجلس این ماده را باین ترتیب تصویب کند بعقیده بنده با وضعیات فعلی مملکت حقوق مردم را تضییع کرده و باید کمیسیون ترتیبی در نظر بگیرد که رفع مشکلات بشود و اعتراض دیگر بنده راجع بقسمت یا نصد تومان است که رسیدگی ابتدائی قطعی باشد.

اگرچه شاهزاده نصرت الدوله توضیح دادند که تمیزاً مانعی برای متظلم نیست و میتواند شکایت کند و در یکی از مواد بعد هم این قسمت منظور شده است ولی بنده این اندازه را نافع و کافی نمیدانم زیرا مواد مخصوصی برای تظلم و رسیدگی تمیزی قرار داده اند و آنرا هم خیلی محدود کرده اند و راجع یا نصد تومان هم چنانکه آقای شیخ الاسلام اصفهانی فرمودند اگر یا نصد تومان قطعی باشد کمتر اتفاق می افتد که یا نصد تومانی خسارت از طرف مأمور دولت بیک نفر وارد آید و این ترتیب خیلی اسباب زحمت برای متظلمین میشود برای اینکه خسارات وارده ب مردم ازده تومان است تا یا نصد تومان و بهر قصبه که یا نصد تومان خسارت وارد آید به قصبه پنج هزار تومان خسارت وارد میشود و در اینجا هم مینویسد در صورتیکه یک محکمه رد کرد دیگر حق تظلم ندارد بنا برین بنده یا نصد تومان را خیلی زیاد میدانم و منتهی مبلغیکه بخواهیم قابل شویم پنجاه تومان است و البته آقایان اعضاء کمیسیون خودشان یادداشت کرده در نظر خواهند داشت تا در موقع شورائی اینرا اصلاح نموده وسایل تسهیل امور مردم را فراهم کنند (یکی از نمایندگان - پیشنهاد کنید) پیشنهاد میکنم ولی امیدوارم آقایان اعضاء کمیسیون در موقع اصلاح صلاح نمایند (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی (شرح ذیل خوانده شد) بنده در ماده ۳۵ پیشنهاد میکنم که

احکام این محکمه تا میزان پنجاه تومان قطعی باشد (شیخ الاسلام اصفهانی) رئیس - ماده سی و شش قرائت میشود (باین نهج خوانده شد)

ماده سی و شش - محکمه مذکور در ماده سی و چهار را حاکم محل باید بتقاضای کتبی متظلم تشکیل دهد طرز محاکمه و رسیدگی درین محکمه مطابق نظام نامه خواهد بود که شورای دولتی تهیه و بصره همایونی موضح شده باشد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - عرضی ندارم رئیس - درین ماده کسی حرفی ندارد (گفته شد خیر) پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود: (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم ماده ۳۶ چنین نوشته شود:

محکمه مزبوره در ماده ۳۴ پس از تقاضای کتبی شاکی در مرکز وزیر متبوع مستخدم متشکی عنه تشکیل یافته و اعضاء را وزیر مزبور تعیین میکند و در خارج مرکز حاکم و در صورت شکایت از حاکم یا اتباع او رئیس عدلیه تشکیل می دهد طرز محاکمه و رسیدگی (الی آخر)

رئیس - ماده ۳۷ مطرح است (بمضمون آتی خوانده شد)

ماده سی و هفت - در موارد ذیل شورای دولتی احکام محاکم اداری و یا تصمیمات ادارا را نقض خواهد نمود:

- ۱- سوء تعبیر قانون
۲- تجاوز از حدود صلاحیت و اختیارات و با سوء استفاده از اقدامات قانونی
۳- نقض قوانین و یا نقض احکام و فرامین و نظام نامه هائیکه بر طبق قانون صادر شده است.

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده در یک ماده دیگر هم که حالا نظرم نیست کدام ماده بوده عرض کردم مطابق اصل هفتاد و دوم یا هفتاد و سوم متمم قانون اساسی در تمام ایران یک محکمه تمیزاً بهم در مرکز برقرار میشود. اینجا حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله اظهار نمودند که تصمیمات ادارا را تمیزاً نقض خواهد کرد. بنده نمیدانم که این شورای دولتی وقتیکه میخواهد محاکمه کند در حکم چه محکمه است. استیناف است؟ تمیز است؟ بیش از یک محکمه تمیز هم که نمیشود در ایران باشد. این است که بنده پیشنهاد کرده ام لفظ تمیزاً حذف شود و در اینجا فقط همان عنوان استینافی باشد. در قانون استخدام اسم آن محکمه را محکمه تجدید نظر گذارده اند حالا هم خوب است برای محکمه که تا نیا رسیدگی میکند اسم دیگری اختیار

کنند یا فقط بلفظ استیناف قناعت کرده و این کلمه تمیزاً از میان بردارند و با نقاطی که مفسر این است که این محکمه بجای محکمه تمیز است تبدیل کنند. رئیس - آقای شیخ رئیس (اجازه)

شیخ رئیس - بنده تصور میکنم با این شدت نظریه که آقای شیخ الاسلام اصفهانی دارند که معتقدند هر جا لفظ تمیز است باید برداشته شود پس باید هر چه لفظ تمیز در کتب نوعی است برداشته شود آقای این تمیز چه ربطی به آن موضوع دارد اساساً جریان محاکمات یک ابتدائی و یک استینافی و یک تمیزی دارد و آن ماده قانون اساسی که اشاره فرمودید راجع به بدلیه و وسائل حقوقی و جزایست و در اینجا غیر از بدلیه است اسم محاکمه مرتبه اول. محاکمه ادارست و اسم محاکمه مرتبه دوم استیناف است بعد اگر کسی از حکم محکمه استیناف شکایتی دارد باید به محکمه عالیتری رجوع کند که اسمش تمیز است و میتواند حکم محکمه استیناف را نقض یا ابرام نماید و این محکمه حق رسیدگی در ماهیت دعوی ندارد بلکه فقط میتواند تمیز و تشخیص داده در نتیجه حکم محکمه استیناف را نقض یا ابرام کند باین معنی که اگر یک تصدیق شد بر طبق آن حکم دهد و اگر هم تصدیق نشد رد کند پس این مسئله هیچ منافاتی با اصل قانون اساسی ندارد زیرا آن اصطلاحی است علیحده و این موضوعی است خارج

رئیس - پیشنهاد میکنم ماده ۳۷ چنین نوشته شود: هر گاه بشورای دولتی شکایتی شود که در تصمیم اداره یا حکم محکمه اداری یکی از امور ذیل واقع شده:

- ۱- سوء تعبیر قانون
۲- تجاوز از حدود صلاحیت و اختیارات
۳- سوء استفاده از قدرت قانونی
۴- نقض قانون یا نقض فرمان و یا حکم و یا نظاماتیکه بر طبق قانون صادر شده
۵- - تویق انجام اموریکه مراجعه شده عمدتاً بدون عنبر مقبول. شورای دولتی این شکایت را پذیرفته رجوع بسابقه امر و رسیدگی می نماید در هر صورت وقوع یکی از این امور نقض تصمیم یا حکم را بمحل صدور آن با دلایل و تقاضای تصمیم صحیح مینماید اداره یا محکمه مزبوره تا در هر روز یا نقض آنچه صادر شده و یا اگر دلالتی برای تصمیم خود داشت بشورای دولتی اظهار کند در دفعه دوم هم هر گاه شورای دولتی قانع نشد و اخطار نقض و رفع تعویق کار را نموده اداره یا محکمه باید تصمیم شورای دولتی را قبول کند و هم چنین است هر گاه یکی از این امور در حین رسیدگی با حکم و امور مزبوره در شورای دولتی کشف شود (ابراهیم زنجانی)

رئیس - بنده میخواستم تقاضا کنم اگر آقایان تصویب میفرمایند شرحی بریاست و وزراء نوشته شود که بیلدیه امر فرماید چراغ های برق را (مثل غیرشهای ماه رمضان) تا ساعت پنج از شب معمول ندارند و چون در ایام ماه رمضان این چراغها طرف احتیاج مجلس و عموم است تقاضا میکنم بیلدیه امر شود که چراغها را تا پنج ساعت روشن نگاهدارند (گفته شد صحیح است)

رئیس - دستور فردا: اولاً بودجه مملکتی و در وقتی ماند بقیه دستور امشب (مجلس پنج ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - موتمن الملك جلسه ۲۶۲ صورت مشروح مجلس لیله دوشنبه ۶ رمضان المبارک ۱۳۴۱ برابر ۳ تورتگوز ژیل ۱۳۰۲ (مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید)

رئیس - با اجازه نوشته میشود آقای آقا میرزا علی کازرونی - بنده پس از تصویب صورت مجلس عرضی دارم رئیس - صورت جلسه دیگر ایرادی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - دستور امشب بودجه مملکتی است مذاکرات راجع بکلیات است.

آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده سالها بود که آرزو مند بودم یک وقت یک بودجه یا یک لایحه یا یک کتابچه یا یک دفتر